

نقش اخبار بر رشد عاطفی کودکان



اخبار سهم مهمی از زندگی ما را اشغال کرده است. هر گزایشی که داشته باشیم، اخبار خود را به ترفندی فراهم می‌کنیم. از این مجرا نشد، از آن یکی؛ بالاخره آدمی بی‌خبر نمی‌ماند. این اخبار زندگی ما را شکل می‌دهد و بخش مهمی از معنایی که برای زندگی تعریف می‌کنیم، در همین اخبار به شکل عینی درمی‌آید.

از دهه‌ی ۱۹۹۰ تا همین امروز، پژوهش‌گران بسیاری روی موضوع رسانه و تأثیراتش بر کودکان کار کرده‌اند، از جمله دیتس اشتراسبورگر که در ۱۹۹۱ مقاله‌ای به نام کودکان، نوجوانان، و تلویزیون منتشر کرد و جانسن و کوهن که در ۲۰۰۱ مقاله‌ای به نام تلویزیون و رفتار خشن در کودکان به چاپ رساندند. همه‌ی این پژوهش‌گران بر موضوعی توافق دارند و آن این‌که مرحله‌ی رشد کودک در میزان و نحوه‌ی مواجهه‌ی او با اخبار بسیار اهمیت دارد و به‌سادگی تأثیرات مثبت رسانه‌ها و اخبار بر یک گروه سنی، برای گروه سنی دیگر مخرب است.



بهراستی نمی‌توان گفت که تلویزیون برای بچه‌ها بد است، یا کودکان نباید هیچ اخباری بشنوند یا ببینند، اما مواجهه‌ی آن‌ها باید به‌دقت زیر نظر گرفته شود. دانشکده‌ی علوم کودکان و هیئت آموزش عمومی وزارت آموزش در ایالات متحده در نوامبر ۲۰۰۱ در این باب دفترچه‌ی راهنمایی صادر کرده‌اند که صفحه‌ی ۱۰۸ آن به‌کل به همین امر اختصاص دارد.

در مقاله‌ی تلویزیون و رفتار فشن کودکان که بالاتر به آن اشاره شد، جانسن و کوهن میان میزان تولید محتوای فشن و رفتار فشن کودکان رابطه‌ای یافته‌اند و در ضمن، پژوهشی در ۲۰۰۲ نیز نشان داده است که تماشای افراطی تلویزیون و روشن ماندن تلویزیون در خانه با پاقی مفرط و اضافه وزن کودکان رابطه‌ای مستقیم دارد.



هرچه اخبار بد سهم بیشتری از ذهن کودکان را اشغال کند، عملاً آسیب های روانی و جسمی بیشتری آن ها را تهدید می کند. این اخبار بد ممکن است درباره ی چیزهایی باشد که به طور مستقیم به زندگی ما ارتباطی ندارد، اما تأثیرش بر کودکان ما به همان میزان مخرب است. بمران کووید-۱۹ هم در این میان از چند سو تأثیرگذار بوده است: هم خود بمران خبر بدی بوده، هم اخبار از دست رفتن انسان ها در لایه های مختلف آدم را افسرده می کند، هم هرکدام از شنوندگان اخبار خودشان با این بمران شوم دست به گریبان بوده اند، و هم در پی شهربندان و خانه نشینی، برفی از خانواده ها تخمیر شکل داده اند و هنوز هم، پس از نزدیک به دو سال، از راه دور کار می کنند و یکی از بدیهی ترین عواقب این تخمیر شکل هم این شده کودکان از خانه بیرون نمی روند، از صبح پشت دستگاه های مختلف و خیره به نور آبی مانیتور یا دستگاه های دیگر می نشینند و والدینشان هم در خانه، احتمالاً در اتاق نشیمن تلویزیون ها را روشن می کنند، شبکه ی سرگرمی/خبری دلفواه را روشن می کنند و به کارهای روزمره می رسند.



مواجهه با اخبار بد تأثیری مستقیم بر تمرکز کودکان دارد و بی‌گمان روند یادگیری آنان را مختل می‌کند. یکی از ابتدایی‌ترین تأثیرات فبر بد این است که انسان را به دام خود می‌کشد و وقتی که آدم باید بر کاری تمرکز کند، غرق در افکار می‌شود و بر بال این افکار از اینجا و اکنون جدا می‌شود و به دنیای افکار راه می‌برد. چنین می‌شود که در گوشه و کنار کودکانی را می‌بینیم که از کرونا سخن می‌گویند و از این‌که این ماه دو هفته تعطیل است یا یکی از بستگانشان در بیمارستان بستری شده و... بدترین حالت این است که کودکی در کلاس درس تمرکز خود را از دست بدهد و غرق افکار و اخبار به محتوای آموزشی بی‌تفاوت بماند. یعنی عملاً آنچه آموزگار به آن‌ها می‌گوید، اصلاً از گوششان گذر نمی‌کند و وارد ذهنشان نمی‌شود و در قوای مختلف ذهنی پردازش نمی‌گردد.



از همین روست که وقتی آموزگار یا هنرآموزگار در جلسهای بعدی درباره ی درسهای جلسهای پیش سؤال میکند، کودک مات و مبهوت به او نگاه میکند و بسته به رومیاتش، حالتی فجالتزده یا تدافعی یا حتی شوخ به خود میگیرد! سهل است که موضوع را به حساب بی تمرکزگی او بگذاریم و از والدین بخواهیم که به روان شناس یا مشاوران دیگر مراجعه کنند، اما بیگمان بخشی از موضوع به همین مسئلهای ساده بازمیگردد که کودک در معرض اخبار ناگوار قرار دارد.

وقتی کودک در برابر اخبار ناگوار قرار میگیرد، برای پردازش کردن این دادههای تازه به زمان بیشتری نیاز دارد. این اخبار باید با الگوهای موجود در ذهنش تطبیق بیابد و فیلی اوقات اصلا الگویی در کار نیست تا با تطبیق و قیاس بتوان آنها را در ذهن پردازش کرد.



کودکی که تا به حال با موضوعاتی چون از دست دادن و دوری و واگمه هایش روبرو نشده، نمی‌داند که این اخبار را چطور باید پردازش کند و اصلا عواطف ناشی از آن‌ها را نمی‌شناسد، در نتیجه معلوم نیست که به این آسان‌ها بتواند از رنج اخبار بد رها شود و با بیم و اضطراب خود تسویه حساب کند.

به باور بسیاری از کارشناسان مختلف، بحران کووید-۱۹ تأثیری هم‌عرض با سیل و زلزله داشته است. واقعا تصورش را بکنید که چطور در بحران‌ها فانه‌ی انسان ویران می‌شود و ناگاه همه چیزش را می‌بازد... حتی ساز آده زیر آوار یا در سیل از میان می‌رود و دیگر نوای موسیقی نیز آده را دل فوش نمی‌کند؛ خیلی دشوار است که کووید-۱۹ را با چنین پدیده‌ای قیاس کنیم، اما راستش عواقبش بر نسل آینده‌ی ما دیر یا زود پیدا خواهد شد و بخشی از این عواقب حاصل همین اخبار بد و هجوم بی‌پایانش است.



هنوز راه زیادی هست تا پژوهشگران حوزه‌های مختلف جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، پزشکی، و آموزش‌شناسی درباره‌ی این مسئله و عواقب اخبار به ما خبر بدهند، لیکن چند موضوع از لابه‌لای همین سطور آشکار می‌گردد: تمرین موسیقی یا مطالعه‌ی روزانه و کارهایی نظیر این‌ها، نیازمند خلوت و آرامش کافی است و بی‌تردید، صدای اخبار یکی از مهم‌ترین عواملی است که می‌تواند تمرین و تمرکز بر موسیقی را مختل کند. شاید باور نکنیم، اما صدای گوینده‌ی اخبار در اتاق نشیمن، می‌تواند فکر و تمرکز کودکی را در حین تمرین به خود معطوف سازد. بسا اهمیت دارد که حین تمرین موسیقی، خبری از صدای اخبار نباشد. نکته‌ی دیگر این است که اخبار بد، به‌آسانی بر شناخت و بر واکنش‌های روان‌شناختی ما اثر می‌گذارد و همین‌که میزان این اخبار بد، از حد گذشت، لاجرم تأثیرش بر فرزندانمان معلوم می‌شود.



بخشی از مسئولیت ما برای نسل آینده به توجه به همین امر بازمی‌گردد. باید به یاد داشته باشیم که حتی واکنش‌های خود والدین به اخبار بد، می‌تواند به‌طور غیرمستقیم کودکان را متأثر سازد و بر روند رشد و ذهنیتشان تأثیر بگذارد.

شکی نیست که موسیقی مرهمی است بر همه‌ی این دشواری‌ها! دنیای ما با همه‌ی دشواری‌هایش هنوز به نغمه‌ی موسیقی می‌شکوفد و به قول سعدی، اسرار دل را به نوایش می‌توان شناخت. اکنون که روزگار دشواری‌هاست باید به روز خوش امید بست و بهترین وسیله‌اش هم موسیقی است. مبادا که صدای اخبار بیش از تأثیر نوای موسیقی در خانه طنین اندازد و آینده را به خبر ناگوار امروز بفروشی.

